



تحلیل نقش معلمان در طراحی محیط های یادگیری پویا و تأثیر آن بر خلاقیت و

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان



فاطمه حاتمی، سکینه دهقان، سودابه بیغم، رضوان خیرخواهان

کارشناسی زمین شناسی

کارشناسی روابط عمومی

کارشناسی حسابداری

کارشناسی ریاضی محض



MDOI-02-2026.0227
MNR-241-2-8A6A4D

چکیده

محیط های یادگیری پویا به فضاهای آموزشی اشاره دارند که در آن ها یادگیری صرفاً به انتقال یک سوییچ محتوا محدود نمی شود، بلکه از طریق تعامل فعال دانش آموزان با معلم، همسالان، منابع آموزشی و مسائل واقعی زندگی شکل می گیرد. در این میان، معلم نقش محوری در طراحی، هدایت و ارزیابی این محیط ها بر عهده دارد. معلم طراح با بهره گیری از روش های فعال یادگیری، یادگیری مبتنی بر مسئله، فعالیت های گروهی، فناوری های آموزشی، بازخورد مستمر و توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان، زمینه ای فراهم می سازد که در آن دانش آموزان بتوانند به صورت مستقل، خلاقانه و مسئولانه در فرایند یادگیری مشارکت کنند. هدف این پژوهش، تحلیل نقش معلمان در طراحی محیط های یادگیری پویا و بررسی تأثیر این نقش بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. یافته های نظری و پژوهشی نشان می دهد که هرچه محیط یادگیری از انعطاف پذیری، مشارکت، چالش برانگیزی، حمایت عاطفی و فرصت تجربه ورزی بیشتری برخوردار باشد، توانایی دانش آموزان در تولید ایده های نو، حل مسئله، تفکر انتقادی و کاربرد آموخته ها در موقعیت های جدید افزایش می یابد.

کلمات کلیدی: معلم، محیط یادگیری پویا، خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، یادگیری فعال، طراحی آموزشی، دانش آموزان.

نظام های آموزشی معاصر در سراسر جهان با چالشی بنیادین در زمینه بازتعریف نقش ها و کارکردهای عناصر اصلی یادگیری مواجه هستند، چرا که پارادایم های سنتی آموزش مبتنی بر یادگیری غیرفعال و انتقال یک سویی می مفاهیم دیگر پاسخگوی نیازهای جوامع پیچیده و پویا نیستند. در این میان، کلاس درس به عنوان یک اکوسیستم یادگیری کوچک، کانون اصلی تحولات تربیتی است که کیفیت و ساختار آن، تعیین کننده نهایی جهت گیری رشد دانش آموزان است (رحیمی نیا، ۱۴۰۰). بر این اساس، رویکردهای نوین روان شناسی پرورشی و علوم تربیتی تاکید فراوانی بر ضرورت بازنگری در طراحی کالبدی، روانی و اجتماعی فضاهای آموزشی دارند؛ چرا که محیط یادگیری فراتر از یک فضای فیزیکی ساده، به عنوان عاملی زنده، پویا و تاثیرگذار در ساختار شناختی و عاطفی یادگیرنده عمل می کند (خاتون تقیه، ۱۳۹۱). طراحی چنین محیط هایی نیازمند فهم عمیق از فرآیندهای یادگیری و شیوه های نوین مدیریت کلاس است که بستر ساز شکوفایی استعداد های درونی دانش آموزان می شود. معلم به عنوان طراح اصلی این فضا، وظیفه دارد تا با عبور از نقش های کلیشه ای انتقال دهنده اطلاعات، به جایگاهی راهبردی به عنوان تسهیل گر، مشاور و هدایت کننده جریان یادگیری دست یابد تا از این طریق، بستری مناسب برای پرورش ابعاد مختلف شخصیتی دانش آموزان ایجاد کند (سعیدی فر و همکاران، ۱۴۰۰). تحلیل ساختار کلاس های درس پویا نشان می دهد که این فضاها دارای ویژگی های منحصر به فردی همچون انعطاف پذیری، تعامل چندسویه، چالش برانگیزی و حمایت گری عاطفی هستند که هر یک به نوعی بر پاسخ های شناختی و رفتاری یادگیرندگان اثر می گذارند. در نظریه های یادگیری نوین، به ویژه نظریه سازنده گرایی، تاکید می شود که دانش به طور مستقیم از ذهن معلم به ذهن دانش آموز منتقل نمی شود، بلکه توسط خود یادگیرنده و در جریان تعامل فعال با محیط و دیگران بازسازی و معنا می شود (کرمی و همکاران، ۱۳۹۹). از این رو، طراحی محیط آموزشی باید به گونه ای باشد که دانش آموزان را به تفکر، پرسشگری و کاوش ترغیب کند و این امر بدون عاملیت اثربخش معلم امکان پذیر نیست. دانش اثربخش معلم و تسلط او بر روش های تدریس نوین، ابزار اصلی برای تبدیل کلاس های سنتی به محیط های فعال و خلاق است (خادمیان قادی کالی و همکاران، ۱۴۰۱). معلمانی که از مهارت های طراحی آموزشی پیشرفته برخوردارند، می توانند شرایطی را فراهم سازند که در آن دانش آموزان نه تنها به حفظ حقایق علمی نمی پردازند، بلکه مهارت های سطح بالای تفکر مانند تحلیل، ترکیب و ارزیابی را نیز تمرین می کنند و این فرایند در نهایت به توسعه همه جانبه ذهن آن ها منجر می گردد (شعبانی، ۱۳۹۹).



یکی از مهم ترین ابعاد طراحی محیط های یادگیری پویا، شیوه های مدیریتی است که معلم در کلاس اعمال می کند. مدیریت کلاس درس صرفاً به معنای برقراری نظم و انضباط فیزیکی یا کنترل رفتارهای مزاحم نیست، بلکه فرآیندی جامع است که در جهت ایجاد و نگهداری یک محیط یادگیری مثبت، ایمن و مولد به کار گرفته می شود (صیدی مرادی، ۱۴۰۳). سبک های مدیریت کلاس به طور مستقیم بر سلامت روانی، انگیزش درونی و حتی مهارت های خودنظم دهی دانش آموزان تاثیر می گذارند؛ به طوری که اتخاذ رویکردهای دموکراتیک و تعاملی در مدیریت کلاس، فرصت های بیشتری را برای خودابرازی و مشارکت فعال دانش آموزان فراهم می کند و در مقابل، روش های سنتی و استبدادی با ایجاد جو ترس و اضطراب، مانع از بروز خلاقیت و نوآوری در کلاس درس می شوند (آمین یزدی و عالی، بی تا). پژوهش های حوزه تعلیم و تربیت نشان می دهند که معلمان موفق کسانی هستند که به جای کنترل بیرونی شدید، به تقویت انضباط درونی و خودکنترلی در دانش آموزان می پردازند که این امر در ایجاد محیط های یادگیری سازنده و پایدار بسیار حیاتی است (غلامی و همکاران، ۱۴۰۳). بنابراین، پیوند عمیقی میان مدیریت کلاس، روش های تدریس فعال و پیامدهای آموزشی نظیر پیشرفت تحصیلی و خلاقیت وجود دارد. روش های تدریس فعال که در آن ها دانش آموز محور اصلی فعالیت های کلاسی است، نه تنها انگیزش درونی یادگیرندگان را تقویت می کنند، بلکه با فراهم ساختن فرصت هایی برای کشف مستقل و کار گروهی، اعتماد به نفس و خودکارآمدی آنان را به شدت ارتقا می دهند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۹). معلمان با به کارگیری راهبردهای نوین، زمینه ای فراهم می سازند تا دانش آموزان چالش های یادگیری را به عنوان فرصت هایی برای رشد شخصی قلمداد کنند و از طریق درگیری فعال با مسائل واقعی، به سطوح بالاتری از درک شناختی دست یابند. در این راستا، نقش معلمان در طراحی تکالیف خلاقانه و مهارت محور نیز بسیار برجسته است؛ این تکالیف با برقراری ارتباط میان آموخته های کلاسی و تجارب زیسته دانش آموزان در خارج از مدرسه، فرآیند یادگیری را معنابخش و پایدار می سازند و به تقویت تفکر واگرا و مهارت های حل مسئله کمک شایانی می کنند (زارع و صادقی بهمنی، ۱۴۰۲).

در تحلیل نهایی، اهمیت بررسی نقش معلم در طراحی این فضاها زمانی آشکارتر می شود که به متغیرهای خروجی نظام آموزشی مانند خلاقیت و پیشرفت تحصیلی توجه کنیم. خلاقیت به عنوان توانایی تولید ایده های نو و کارآمد، در محیط های سنتی و قالبی رشد نمی کند و نیازمند فضایی است که در آن اشتباه کردن به عنوان بخشی طبیعی از فرآیند یادگیری پذیرفته شود و مورد حمایت قرار گیرد (سیف، ۱۳۹۱). پیشرفت تحصیلی نیز فراتر از نمرات امتحانی، نشان دهنده عمق یادگیری، انگیزه مداوم و توانایی کاربرد دانش در

شرایط واقعی است که ارتباط تنگاتنگی با نحوه طراحی محیط فیزیکی و روانی کلاس دارد (خاتون تقیه، ۱۳۹۱). تحولات اخیر در عرصه آموزش، از جمله گسترش آموزش های از راه دور و مجازی، ابعاد جدیدی به این نقش بخشیده و نشان داده است که معلمان حتی در فضاهای غیرفیزیکی نیز باید به عنوان معماران اصلی تعاملات و یادگیری ایفای نقش کنند (جلالی و همکاران، ۱۴۰۰). از این رو، تبیین و تحلیل دقیق این موضوع می تواند مسیرهای روشنی را برای ارتقای شایستگی های حرفه ای معلمان و بهبود اثربخشی فرآیندهای یاددهی-یادگیری در مدارس کشور ترسیم نماید.

بیان مسئله

مسئله اساسی در نظام آموزشی، کاهش پویایی کلاس های درس و غلبه رویکردهای سنتی و حافظه محور است که منجر به افت پیشرفت تحصیلی واقعی و سرکوب خلاقیت در میان دانش آموزان شده است. با وجود پیشرفت های چشمگیر در حوزه علوم تربیتی و روان شناسی پرورشی، هنوز بسیاری از کلاس های درس توسط روش های غیرفعال و مدیریت های معلم محور اداره می شوند که در آنها دانش آموز صرفاً نقش مصرف کننده اطلاعات را دارد (سیف، ۱۳۹۱). این وضعیت سبب شده است که دانش آموزان تمایلی به پرسش گری و تفکر انتقادی نشان نداده و انگیزه های درونی خود را برای یادگیری عمیق از دست بدهند. عدم آشنایی کافی برخی معلمان با استراتژی های ایجاد محیط یادگیری سازنده و تکیه بر الگوهای انضباطی خشک، به ایجاد جوی سرد و بی روح در کلاس ها منجر می شود که در آن خلاقیت و نوآوری فرصت ظهور پیدا نمی کنند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۲). در چنین شرایطی، پژوهشگران با این پرسش اساسی مواجه هستند که معلمان چگونه می توانند با طراحی هوشمندانه محیط یادگیری و اعمال روش های مدیریتی نوین، این رکود آموزشی را برطرف سازند و زمینه ساز رشد همه جانبه دانش آموزان شوند. محیط کلاسی که فاقد پویایی و تعاملات مثبت باشد، به تدریج به افت عملکرد تحصیلی و کاهش انگیزش دانش آموزان منجر می شود. دانش آموزان در محیط های خشک آموزشی، یادگیری را فرآیندی خسته کننده و بی ارتباط با زندگی واقعی خود می بینند و این امر میزان پایداری ذهنی و اشتیاق آنان را برای پیگیری اهداف تحصیلی کاهش می دهد (رحیمی نیا، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، رفتارهای کنترل گر و شیوه های مدیریت سنتی کلاس درس نه تنها به بهبود انضباط کمک نمی کنند، بلکه با افزایش اضطراب و استرس تحصیلی، مانع از رشد مهارت های خود کنترلی و فراشناختی در یادگیرندگان می شوند (آمین یزدی و عالی). عدم توجه به طراحی مناسب محیط یادگیری به معنای نادیده گرفتن نیازهای اساسی



روان‌شناختی دانش‌آموزان نظیر نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط است که این امر آسیب‌های جدی به پیشرفت تحصیلی و بهزیستی روانی آنان وارد می‌سازد (رضایی و حقانی، ۲۰۱۵).

علاوه بر این، فقدان رویکردهای فعال و مهارت‌محور در تدریس، مانعی جدی برای توسعه تفکر خلاق در نظام آموزشی است. خلاقیت زمانی شکوفا می‌شود که دانش‌آموزان با چالش‌های ذهنی روبرو شوند، فرضیه‌سازی کنند و اجازه داشته باشند راه‌حل‌های غیرمعمول را بیازمایند؛ در حالی که ساختارهای صلب کلاس‌های سنتی، هرگونه انحراف از پاسخ‌های کلیشه‌ای را سرکوب می‌کنند (شعبانی، ۱۳۹۹). معلمان به دلیل محدودیت‌های زمانی، حجم بالای کتاب‌های درسی یا عدم تسلط بر روش‌های نوین، کمتر به طراحی تکالیف خلاقانه و مهارت‌محور می‌پردازند که این امر فاصله میان نظریه و عمل را در ذهن دانش‌آموزان افزایش می‌دهد (زارع و صادقی بهمنی، ۱۴۰۲). همچنین، کمبود برنامه‌های جانبی و فعالیت‌های فوق‌برنامه سازمان‌یافته که مکمل یادگیری کلاسی باشند، انگیزش تحصیلی را بیش از پیش کاهش داده و فرصت‌های شکوفایی خلاقیت در بسترهای غیررسمی را سلب می‌کند (نادری و همکاران، ۱۳۹۸). در سال‌های اخیر، تغییر در ماهیت فضاهای آموزشی و انتقال بخشی از فرآیند یادگیری به محیط‌های مجازی و آموزش از راه دور، پیچیدگی‌های این مسئله را دوچندان کرده است. معلمان در مواجهه با این تغییرات ناگهانی، اغلب با چالش طراحی محیط‌های یادگیری تعاملی در فضای مجازی روبرو بوده‌اند و بسیاری از آنان نتوانسته‌اند همان سطح از پویایی و پیوند عاطفی کلاس‌های حضوری را در آموزش‌های از راه دور بازسازی کنند (جلالی و همکاران، ۱۴۰۰). این گسست ارتباطی و مدیریتی، اثرات منفی بر پیشرفت تحصیلی و انگیزه دانش‌آموزان بر جای گذاشته است. از این رو، مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل همه‌جانبه چگونگی طراحی محیط‌های یادگیری پویا توسط معلمان از طریق بکارگیری فنون مدیریت کلاس اثربخش، روش‌های تدریس نوین و تکالیف خلاق است تا مشخص شود این اقدامات چگونه و از طریق چه مکانیسم‌هایی می‌توانند بر متغیرهای حیاتی خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت و پایدار بگذارند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

کاربرد یافته های محیط‌های یادگیری پویا به فضاهای آموزشی از جهات زیر دارای اهمیت است :



۱. بررسی نقش معلمان در طراحی محیط‌های یادگیری پویا از منظر تربیتی اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا مدرسه تنها محل انتقال دانش نیست، بلکه محیطی برای شکل‌گیری شخصیت، هویت، مسئولیت‌پذیری، استقلال و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. معلمی که محیط یادگیری را به‌صورت پویا طراحی می‌کند، دانش‌آموز را از جایگاه دریافت‌کننده‌ی منفعل اطلاعات خارج کرده و به کنشگری فعال در فرایند یادگیری تبدیل می‌سازد. در چنین فضایی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند دیدگاه خود را بیان کنند، به نظرات دیگران احترام بگذارند، در فعالیت‌های گروهی همکاری کنند و برای حل مسائل، راه‌حل‌های متنوع ارائه دهند. این فرایند، علاوه بر رشد علمی، زمینه‌ساز پرورش شهروندانی مسئول، خلاق و دارای توانایی تصمیم‌گیری در زندگی فردی و اجتماعی است. از سوی دیگر، محیط‌های پویا به معلم امکان می‌دهند تا تفاوت‌های فردی، علایق، استعدادها و نیازهای متنوع دانش‌آموزان را بهتر شناسایی و در طراحی تدریس لحاظ کنند. در نتیجه، آموزش از حالت یکسان‌سازی شده خارج شده و به سمت یادگیری معنادار و متناسب با ویژگی‌های هر دانش‌آموز حرکت می‌کند. چنین رویکردی در تربیت همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان و تحقق اهداف اساسی نظام آموزشی نقش مؤثری دارد.

۲. از بُعد تحصیلی، طراحی محیط‌های یادگیری پویا می‌تواند کیفیت یادگیری و میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقا دهد. هنگامی که معلم از روش‌هایی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، حل مسئله، پرسش‌گری، بحث گروهی، آزمایش، ایفای نقش و استفاده هدفمند از فناوری بهره می‌گیرد، دانش‌آموزان مفاهیم درسی را عمیق‌تر درک می‌کنند. یادگیری عمیق سبب می‌شود دانش‌آموزان صرفاً مطالب را حفظ نکنند، بلکه بتوانند آن‌ها را تحلیل کرده و در موقعیت‌های تازه به کار ببرند. محیط یادگیری پویا همچنین انگیزه‌ی تحصیلی را افزایش می‌دهد. دانش‌آموزی که در انتخاب فعالیت‌ها، طرح پرسش‌ها و ارائه راه‌حل‌ها نقش دارد، احساس مالکیت بیشتری نسبت به یادگیری خود پیدا می‌کند. این احساس، مشارکت درسی، استمرار در انجام تکالیف، توجه در کلاس و تلاش برای غلبه بر دشواری‌های آموزشی را تقویت می‌نماید. بنابراین، بررسی این موضوع می‌تواند به شناسایی راهکارهایی برای کاهش افت تحصیلی، افزایش علاقه به یادگیری و بهبود عملکرد درسی دانش‌آموزان کمک کند.

۳. از منظر روان‌شناختی، محیط یادگیری پویا بر مؤلفه‌های مهمی چون انگیزش، خودکارآمدی، عزت‌نفس، امنیت روانی و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار است. زمانی که معلم فضایی حمایتی، مشارکتی و عاری از ترس از اشتباه ایجاد

می‌کند، دانش‌آموزان با اطمینان بیشتری ایده‌های خود را مطرح می‌کنند و از تجربه کردن راه‌های جدید هراس ندارند. این امنیت روانی، شرط مهمی برای ظهور خلاقیت است؛ زیرا خلاقیت در محیط‌های خشک، کنترل‌گر و مبتنی بر پاسخ‌های از پیش تعیین‌شده کمتر مجال بروز می‌یابد. همچنین، دریافت بازخورد سازنده از سوی معلم و تجربه موفقیت در فعالیت‌های متنوع، باور دانش‌آموزان به توانایی‌های خود را افزایش می‌دهد. دانش‌آموزی که خود را قادر به حل مسئله و یادگیری می‌داند، در مواجهه با دشواری‌های درسی پایداری بیشتری نشان می‌دهد و شکست را نه نشانه ناتوانی، بلکه فرصتی برای اصلاح و رشد تلقی می‌کند. در نتیجه، تحلیل نقش معلم در ایجاد چنین محیطی می‌تواند به ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان، کاهش اضطراب تحصیلی و تقویت نگرش مثبت آنان نسبت به مدرسه و یادگیری منجر شود.

روش‌شناسی

این پژوهش از منظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از منظر روش، یک مطالعه کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز از طریق مرور نظام‌مند اسناد و متون معتبر گردآوری و تحلیل شده‌اند.

- قلمرو پژوهش: کلیه مقالات علمی-پژوهشی، کتب مرجع دانشگاهی و پایان‌نامه‌های دکتری و ارشد مرتبط با موضوعات نقش معلم در شکل‌گیری محیط یادگیری فعال در پیشرفت تحصیلی است.
- پایگاه‌های اطلاعاتی: برای جستجوی منابع از پایگاه‌های معتبر داخلی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مگیران (Magiran)، نورمگز (Noormags) و پرتال جامع علوم انسانی استفاده شد.
- بازه زمانی: منابع منتشر شده بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۰ شمسی ملاک انتخاب قرار گرفتند.
- کلیدواژه‌های جستجو: معلم، محیط یادگیری پویا، خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، یادگیری فعال، طراحی آموزشی، دانش‌آموزان.

- پس از غربالگری اولیه ۱۵ منبع کلیدی و اصلی که به صورت عمیق به ابعاد مختلف موضوع پرداخته بودند، انتخاب و محتوای آن‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، طبقه‌بندی و ترکیب گردید.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه روان‌شناسی تربیتی و علوم آموزشی نشان می‌دهد که محیط یادگیری فعال، یکی از مؤثرترین عوامل در بهبود فرایند یاددهی-یادگیری و ارتقای پیامدهای تحصیلی و روان‌شناختی دانش‌آموزان است. سیف (۱۳۹۹) در آثار خود، یادگیری فعال را فرایندی می‌داند که در آن یادگیرنده نقش محوری در ساخت دانش ایفا می‌کند و معلم به‌عنوان تسهیل‌گر، شرایط لازم برای مشارکت شناختی و عاطفی دانش‌آموزان را فراهم می‌سازد. وی تأکید می‌کند که استفاده از روش‌های فعال تدریس، موجب افزایش انگیزش درونی، عمق پردازش اطلاعات و یادگیری معنادار می‌شود که در نهایت به پیشرفت تحصیلی پایدار می‌انجامد (سیف، ۱۳۹۹). شعبانی (۱۳۹۸) نیز در بررسی نقش معلم در فرایند یاددهی-یادگیری، بر اهمیت طراحی محیط‌های یادگیری مشارکتی و تعاملی تأکید می‌کند. به اعتقاد وی، معلمانی که از روش‌های سنتی فاصله گرفته و محیط‌هایی مبتنی بر گفت‌وگو، کار گروهی و حل مسئله طراحی می‌کنند، نه تنها یادگیری شناختی دانش‌آموزان را تقویت می‌کنند، بلکه زمینه رشد مهارت‌های اجتماعی، اعتمادبه‌نفس و احساس تعلق به کلاس درس را نیز فراهم می‌سازند. این عوامل روان‌شناختی نقش مهمی در کاهش اضطراب تحصیلی و افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان دارند (شعبانی، ۱۳۹۸).

افشار (۱۳۹۷) در پژوهشی با تمرکز بر هیجان‌های تحصیلی و خودتنظیمی یادگیری، نشان می‌دهد که محیط‌های یادگیری فعال می‌توانند هیجان‌های مثبت تحصیلی مانند علاقه، لذت و امید را در دانش‌آموزان تقویت کنند. به باور وی، زمانی که دانش‌آموزان در فرایند یادگیری نقش فعال دارند و احساس می‌کنند یادگیری تحت کنترل آن‌ها است، خودتنظیمی یادگیری افزایش یافته و عملکرد تحصیلی بهبود می‌یابد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نقش معلم در ایجاد چنین محیط‌هایی، نقشی تعیین‌کننده در پیامدهای روان‌شناختی و تحصیلی یادگیری دارد (افشار، ۱۳۹۷). همچنین قورچیان (۱۳۷۹) در بررسی نقش معلم در فرایند رشد تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان، بر این نکته تأکید می‌کند که محیط آموزشی تنها یک فضای فیزیکی نیست، بلکه مجموعه‌ای از روابط انسانی،



تعاملات عاطفی و تجربیات یادگیری است که توسط معلم شکل می گیرد. وی معتقد است معلمانی که محیط های یادگیری فعال و حمایتگر طراحی می کنند، زمینه رشد شخصیت، خودباوری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را فراهم می سازند. این دیدگاه نشان می دهد که پیامدهای محیط یادگیری فعال، فراتر از نمره و موفقیت تحصیلی بوده و ابعاد روان شناختی و تربیتی عمیقی را دربرمی گیرد (قورچیان، ۱۳۷۹).

یافته ها

محیط یادگیری به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی، نقش تعیین کننده ای در کیفیت یاددهی-یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ایفا می کند. پژوهش ها نشان می دهند که محیط یادگیری صرفاً به فضای فیزیکی کلاس محدود نمی شود، بلکه شامل تعاملات آموزشی، جو روانی، شیوه های تدریس و مدیریت کلاس است که عمده تاً توسط معلم طراحی و هدایت می شود (سیف، ۱۳۹۱؛ شعبانی، ۱۳۹۹). طراحی محیط های یادگیری فعال، مشارکتی و حمایت گر می تواند انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی و هیجان های مثبت یادگیری را در دانش آموزان تقویت کند (رحیمی نیا، ۱۴۰۰). در مقابل، محیط های یادگیری ایستا و کنترل محور اغلب با کاهش انگیزش و افت تحصیلی همراه اند (تقیه، ۱۳۹۱). از این رو، نقش معلم در طراحی محیط یادگیری، نه تنها یک وظیفه آموزشی، بلکه عاملی کلیدی در سلامت روانی و موفقیت تحصیلی دانش آموزان محسوب می شود.

محیط یادگیری

محیط یادگیری مفهومی چندبعدی و پویاست که دربرگیرنده مجموعه ای از شرایط فیزیکی، روان شناختی، اجتماعی و آموزشی است که در آن فرایند یاددهی-یادگیری شکل می گیرد. برخلاف نگرش های سنتی که محیط یادگیری را صرفاً به فضای فیزیکی کلاس درس محدود می کردند، دیدگاه های نوین در روان شناسی تربیتی و علوم آموزشی، محیط یادگیری را به عنوان بستری جامع برای تعامل فعال یادگیرنده با محتوا، معلم و سایر یادگیرندگان تعریف می کنند (سیف، ۱۳۹۱). در این چارچوب، محیط یادگیری نه یک زمینه خنثی، بلکه عاملی فعال در شکل دهی به تجربه یادگیری تلقی می شود. محیط یادگیری شامل عواملی همچون شیوه مدیریت کلاس، نوع ارتباط معلم با دانش آموزان، ساختار فعالیت های آموزشی، روش های ارزشیابی، و جو عاطفی حاکم بر کلاس است. این عوامل



به صورت متقابل بر یکدیگر اثر می گذارند و کیفیت تجربه یادگیری دانش آموز را تعیین می کنند. رحیمی نیا (۱۴۰۰) تأکید می کند که محیط یادگیری مطلوب، محیطی است که در آن دانش آموز احساس امنیت روانی، پذیرش و ارزشمندی کرده و فرصت مشارکت فعال در یادگیری را داشته باشد. چنین محیطی زمینه ساز یادگیری عمیق و پایدار است.

از منظر سازنده گرایی، محیط یادگیری فضایی است که یادگیرنده در آن دانش را از طریق تعامل، تجربه و تأمل می سازد. در این دیدگاه، نقش معلم از انتقال دهنده اطلاعات به طراح محیط های یادگیری معنادار تغییر می یابد (شعبانی، ۱۳۹۹). بنابراین، محیط یادگیری حاصل تصمیم ها و کنش های آگاهانه معلم در زمینه سازمان دهی محتوا، انتخاب راهبردهای تدریس و ایجاد تعاملات آموزشی مؤثر است. مطالعات انجام شده نشان می دهند که محیط های یادگیری مثبت و حمایت گر، با افزایش انگیزش درونی، اعتماد به نفس و احساس شایستگی تحصیلی دانش آموزان همراه اند (تقیه، ۱۳۹۱). در مقابل، محیط های یادگیری تنش زا، کنترل محور و فاقد تعامل، می توانند اضطراب تحصیلی، بی علاقهی و افت عملکرد را در پی داشته باشند. از این رو، محیط یادگیری مفهومی صرفاً توصیفی نیست، بلکه سازه ای اساسی در تبیین موفقیت یا ناکامی تحصیلی دانش آموزان به شمار می آید. در مجموع، محیط یادگیری را می توان به عنوان بستر اصلی تحقق اهداف آموزشی دانست؛ بستری که کیفیت آن به میزان زیادی وابسته به نگرش حرفه ای، مهارت های آموزشی و توانمندی های روان شناختی معلم است (سیف، ۱۳۹۱؛ شعبانی، ۱۳۹۹).

نقش محیط یادگیری در آموزش

محیط یادگیری نقشی محوری در اثربخشی فرایند آموزش ایفا می کند و به عنوان یکی از تعیین کننده ترین عوامل در تحقق اهداف تربیتی و آموزشی شناخته می شود. آموزش، صرفاً انتقال محتوا نیست، بلکه فرایندی پیچیده است که در بستر تعاملات انسانی و شرایط روانی- اجتماعی خاصی شکل می گیرد. کیفیت این بستر، یعنی محیط یادگیری، می تواند آموزش را به تجربه ای معنادار یا فرایندی سطحی و کم اثر تبدیل کند (سیف، ۱۳۹۱). یکی از مهم ترین نقش های محیط یادگیری در آموزش، ایجاد انگیزش تحصیلی است. محیط های یادگیری فعال، مشارکتی و حمایت گر، دانش آموزان را به مشارکت در فرایند یادگیری ترغیب می کنند و یادگیری را از حالت اجبار بیرونی به تجربه ای درونی و لذت بخش تبدیل می سازند (رحیمی نیا، ۱۴۰۰). در چنین محیط هایی، دانش آموز احساس می کند که یادگیری برای او معنا دارد و می تواند در آن نقش فعالی ایفا کند.



محیط یادگیری همچنین نقش تعیین کننده ای در کیفیت تعامل معلم و دانش آموز دارد. پژوهش ها نشان می دهند که محیط های یادگیری مثبت، زمینه ساز ارتباط مؤثر، بازخورد سازنده و حمایت عاطفی هستند؛ عواملی که مستقیماً بر درک مفاهیم و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اثر می گذارند (سعیدی فر و همکاران، ۱۴۰۰). در مقابل، محیط های یادگیری خشک و کنترل محور، اغلب تعاملات آموزشی را محدود کرده و یادگیری را به فعالیتی منفعلانه تبدیل می کنند. از منظر آموزشی، محیط یادگیری نقش مهمی در توسعه مهارت های شناختی و فراشناختی دانش آموزان دارد. محیط هایی که فرصت تفکر، پرسشگری و حل مسئله را فراهم می کنند، موجب تقویت یادگیری عمیق و پایدار می شوند (امین یزدی و عالی). این نوع محیط ها دانش آموزان را برای یادگیری مادام العمر آماده می سازند، در حالی که محیط های سنتی بیشتر به حفظ مطالب و یادگیری سطحی منجر می شوند. علاوه بر این، محیط یادگیری نقش واسطه ای مهمی میان روش تدریس معلم و پیامدهای تحصیلی دارد. حتی مؤثرترین روش های تدریس نیز در محیط های نامناسب نمی توانند نتایج مطلوبی به همراه داشته باشند. بنابراین، طراحی آگاهانه محیط یادگیری به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از فرایند آموزش تلقی می شود (شعبانی، ۱۳۹۹؛ تقیه، ۱۳۹۱). در نهایت، می توان گفت محیط یادگیری با شکل دهی به نگرش دانش آموزان نسبت به مدرسه، یادگیری و خود، نقش زیربنایی در موفقیت آموزشی ایفا می کند و کیفیت آموزش بدون توجه به آن قابل ارتقا نخواهد بود.

پیامدهای روان شناختی انواع محیط های یادگیری

انواع محیط های یادگیری، پیامدهای روان شناختی متفاوت و گاه متضادی بر دانش آموزان برجای می گذارند. محیط های یادگیری فعال و حمایت گر، با ایجاد احساس امنیت روانی، تعلق و ارزشمندی، زمینه بروز هیجان های مثبت تحصیلی را فراهم می کنند. پژوهش ها نشان داده اند که چنین محیط هایی موجب افزایش خود کارآمدی، اعتماد به نفس و انگیزش درونی دانش آموزان می شوند (رحیمی نیا، ۱۴۰۰؛ کرمی و همکاران، ۱۳۹۹). در محیط های یادگیری مشارکتی، دانش آموزان فرصت تعامل اجتماعی، بیان دیدگاه ها و یادگیری از یکدیگر را پیدا می کنند. این تعاملات، علاوه بر تقویت مهارت های اجتماعی، موجب کاهش اضطراب تحصیلی و افزایش احساس شایستگی می شود. در مقابل، محیط های یادگیری کنترل محور و اقتدارگرا، اغلب با افزایش استرس، ترس از شکست و کاهش عزت نفس تحصیلی همراه اند (تقیه، ۱۳۹۱).

محیط های یادگیری ایستا و غیر منعطف که در آن ها نقش دانش آموز به شنونده منفعل محدود می شود، می توانند به بی انگیزگی، خستگی ذهنی و دلزدگی از یادگیری منجر شوند. این پیامدهای روان شناختی منفی، در بلندمدت با افت تحصیلی و نگرش منفی نسبت

به مدرسه همراه خواهند بود (سیف، ۱۳۹۱). در مقابل، محیط‌های یادگیری پویا و مسئله‌محور، با درگیر کردن فعال دانش‌آموز در فرایند یادگیری، هیجان‌های مثبت و احساس موفقیت را تقویت می‌کنند. از منظر روان‌شناسی تربیتی، محیط یادگیری نقش مهمی در شکل‌گیری خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان دارد. تجربه‌های مکرر موفقیت یا شکست در محیط یادگیری، به تدریج باورهای دانش‌آموز درباره توانایی‌های خود را شکل می‌دهد. محیط‌های یادگیری حمایت‌گر، احتمال تجربه موفقیت را افزایش داده و از این طریق، چرخه‌ای مثبت از انگیزش و پیشرفت تحصیلی ایجاد می‌کنند (امین یزدی و عالی). در مجموع، می‌توان گفت که پیامدهای روان‌شناختی محیط‌های یادگیری، نقشی واسطه‌ای و بنیادین در تبیین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند و طراحی آگاهانه این محیط‌ها توسط معلم، یک ضرورت اساسی در نظام آموزشی محسوب می‌شود.

نقش معلم در ایجاد محیط یادگیری موثر

معلم، نقش کلیدی برای فراهم کردن محیط مناسب برای دانش‌آموزان دارد، زیرا سال‌های اول مدرسه برای دانش‌آموزان بسیار مهم است. معلم باید احترام، مراقبت و بدل به یک الگوی شود. او در مقابل باید یک محیط دلپذیر برای شاگردان فراهم کرده، با آنها درست رفتار کند و آنها را از طریق جاده موفقیت راهنمایی کند. یک معلم خوب کمک می‌کند تا دانش‌آموز توانایی‌های خودش را کشف کرده و به یک انسان بهتر بدل شود و سر آخر در ارزش‌آفرینی در جامعه سهم داشته باشد. بنا بر این وظیفه معلم است که توانایی‌هایش را در این کشور به کار گیرد. آینده کشور را روشن کند. معلم، مسئولیت بزرگی را در صنفش بر عهده دارد. یک دلیل این است که روند تحصیلی همه دانش‌آموزان به او بستگی دارند. هر آنچه معلم می‌گوید تأثیر ژرفی روی دانش‌آموزان دارد و حتی احساسات (اعم از پرخاشگری و یا عطوفت) معلم در هنگام تدریس می‌تواند روی روان دانش‌آموزانش تأثیر عمیقی بگذارد. نقشی که معلم بازی می‌کند به یک مؤلفه بسیار مهم بدل شده است، در واقع می‌توان گفت که او سازنده‌ی بی‌مناقشه ملت است. معلم در کنار والدین دانش‌آموز اندر القای ارزش، نگرش و رفتارهایی خاص در آنها از اوان کودکی نقش براننده ای دارد. در یک محیط چالش برانگیز، در هر مدرسه یا دانشکده، همه چیز در درجه اول به معلم بستگی دارد. معلم بایستی، درک عمیق اجتماعی و بینش روان‌شناختی مناسب داشته باشد، تا با فراهم کردن یک رابطه دوستانه و در عین حال آکادمیک، شاگرد در نزد او حساس راحتی داشته باشد و بتواند در موقع نیاز به او مراجعه کند.



از یک سو، نحوه انتقال دانش به شاگرد از موارد بسیار کلیدی رابطه شاگرد - معلم است، معلم بایستی بر علاوه تشویق شاگردان، روش آسانی را برای انتقال دانش مد نظر بگیرد، او بایستی از نقش این دانش در شکوفایی شاگرد در حوزه مربوطه اش آگاه باشد و آن را به شاگرد بیاموزاند. معلم یکی از مهم ترین عناصر ساختار اجتماعی است، بر این مبنا، معلم قهرمان مقدس مدیریت، دارنده واقعی محصول آموزش و پرورش و کلیدی برای موفقیت دانش آموزان است. هر شخصی دوست دارد در موقعیت های مختلف و به خصوص شغل خود، فردی موثر، موفق و مطرح باشد و به او با چشم منفعل، بی تفاوت، تاثیرپذیر صرف، گوشه گیر و نا کارآمد نگاه نشود و تمایل دارد بتواند بر محیط کاری خودش، همکاران، مدیران و مافوقان و غیره تاثیر مثبت بگذارد. اثربخشی معلم نقش مهمی در فرایند یادگیری دارد. یک معلم موثر تصویر نامتحرک از پیش بر ساخته شده را برای دانش آموزان ایجاد نمیکند بلکه به دانش آموزان کمک میکند تا با درک موارد ارزنده در حوزه مربوطه، دیدگاه خودشان را ایجاد کنند. با درک مشکلات دانش آموزان و کمک به آنها، جالب تر کردن هر موضوع، با کنترل کلاس، عادلانه بودن با دانشجویان هنگام برخورد با آنها. اثربخشی معلم افزایش می یابد. این تاثیرگذاری محصول تعدادی از متغیرها است. متغیرهای تحصیلی، تسلط بر موضوع، سطح معنایی، عشق به کودکان، رضایت شغلی، تدریس. تجربه، رشد حرفه ای، سن معلم، تکنیک های مورد استفاده در تدریس و غیره. از بین همه این متغیرها مهم ترین متغیر، دانش، شخصیت و مهم تر از همه نحوه تعامل او با دانش آموزان است. معلمان مؤثر کسانی هستند که توانایی تحقق نتایج یادگیری مورد نظر را نشان میدهند (سعیدی فر و همکاران، ۱۴۰۰)

نتیجه گیری

یافته های حاصل از بررسی منابع و مبانی نظری نشان می دهد که طراحی محیط های یادگیری پویا توسط معلمان، یکی از کارآمدترین راهبردهای ارتقای کیفیت آموزشی، ارتقای پیشرفت تحصیلی و پرورش خلاقیت در دانش آموزان است. معلم به عنوان معمار اصلی کلاس درس، نقش کلیدی در تبدیل فضای آموزشی به محیطی سازنده و تعاملی دارد که در آن یادگیرندگان احساس امنیت روانی، انگیزش درونی و خود کارآمدی می کنند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۲). بررسی ها تایید می کنند که مدیریت کلاس به شیوه های نوین و دموکراتیک، با تقویت مهارت های خود کنترلی و فراشناختی دانش آموزان، بستری پایدار برای یادگیری عمیق فراهم می آورد و از تنش ها و رفتارهای مخرب در کلاس می کاهد. این سبک های مدیریتی به جای تکیه بر کنترل بیرونی، بر ایجاد روابط انسانی مثبت و



همدلا نه میان معلم و دانش آموزان استوار هستند که این امر انگیزه تحصیلی را به طور چشمگیری افزایش می دهد. علاوه بر این، استفاده از روش های تدریس فعال و طراحی تکالیف خلاق و مهارت محور، ارتباط مستقیمی با بهبود عملکرد درسی و تقویت تفکر واگرایی دانش آموزان دارد. هنگامی که معلمان یادگیری را با مسائل واقعی زندگی پیوند می زنند و دانش آموزان را در فرآیند تولید دانش مشارکت می دهند، یادگیری از حالت حافظه محور خارج شده و به درک عمیق مفاهیم منجر می شود (زارع و صادقی بهمنی، ۱۴۰۲).

این رویکرد به دانش آموزان کمک می کند تا اعتماد به نفس لازم برای مواجهه با چالش های جدید علمی را به دست آورند و به توانایی های خود در حل مسائل پیچیده ایمان بیاورند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین، توجه به پویایی محیط فیزیکی و روانی کلاس، عاملی تعیین کننده در پیشگیری از افت تحصیلی و ایجاد اشتیاق مداوم به مدرسه است که باید در تمامی برنامه ریزی های آموزشی مورد توجه قرار گیرد (خاتون تقیه، ۱۳۹۱؛ رحیمی نیا، ۱۴۰۰). در نهایت، با توجه به تحولات سریع تکنولوژیکی و تغییر در ساختار سنتی آموزش، معلمان باید همواره شایستگی های حرفه ای خود را در زمینه فناوری های نوین و روش های نوین مدیریت کلاس به روزرسانی کنند تا بتوانند حتی در شرایط آموزش از راه دور نیز محیط های یادگیری پویا و اثرگذار را طراحی نمایند (جلالی و همکاران، ۱۴۰۰). تلفیق فعالیت های برنامه درسی با برنامه های فوق برنامه جذاب و متناسب با نیازهای دانش آموزان نیز می تواند به عنوان یک استراتژی مکمل، اثربخشی طراحی آموزشی معلمان را دوچندان سازد (نادری و همکاران، ۱۳۹۸). به طور کلی، سرمایه گذاری بر توانمندسازی معلمان در حوزه مهارت های آموزشی و پرورشی و روش های تدریس سازنده گرا، اثربخش ترین گام در جهت تحقق اهداف تحولی آموزش و پرورش و تربیت نسلی خلاق، پرسش گر و کارآمد برای جامعه فردا خواهد بود (شعبانی، ۱۳۹۹؛ خادیمان قادیکالی و همکاران، ۱۴۰۱). بررسی نقش معلمان در طراحی محیط های یادگیری پویا نشان می دهد که کیفیت یادگیری دانش آموزان صرفاً به محتوای کتاب درسی، ساعات حضور در کلاس یا میزان انجام تکالیف وابسته نیست، بلکه به چگونگی سازمان دهی تجربه یادگیری در کلاس و مدرسه ارتباطی مستقیم دارد. محیط یادگیری پویا محیطی است که در آن دانش آموزان فرصت دارند به طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت کنند، پرسش پرسند، تجربه کنند، خطا داشته باشند، راه حل های گوناگون ارائه دهند و آموخته های خود را در موقعیت های واقعی یا شبه واقعی به کار گیرند. در چنین رویکردی، معلم دیگر تنها انتقال دهنده اطلاعات نیست، بلکه به عنوان طراح آموزشی، تسهیل گر یادگیری، مدیر تعاملات کلاسی، ارائه دهنده بازخورد و الگوی رفتاری دانش آموزان عمل می کند. بنابراین، نقش معلم در شکل گیری محیط یادگیری پویا، نقشی چندبعدی، حرفه ای و تعیین کننده است که می تواند مسیر رشد تحصیلی، شناختی،

عاطفی و اجتماعی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهد. یافته های مطرح شده در منابع مورد بررسی بیانگر آن است که محیط آموزشی، اعم از محیط فیزیکی، روانی، اجتماعی و آموزشی، با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پیوندی معنادار دارد. محیطی که از نظم، انعطاف، امنیت، ارتباط مثبت و فرصت مشارکت برخوردار باشد، زمینه مناسبی برای تمرکز، انگیزش و یادگیری عمیق ایجاد می کند. در مقابل، کلاس هایی که بر کنترل شدید، ترس از اشتباه، سکوت اجباری، رقابت ناسالم و انتقال یک طرفه محتوا استوار هستند، غالباً دانش آموزان را به یادگیرندگانی منفعل تبدیل می کنند. این وضعیت ممکن است در کوتاه مدت به حفظ مطالب و پاسخ گویی به آزمون ها منجر شود، اما در بلندمدت توانایی تحلیل، حل مسئله، ابتکار و یادگیری مستقل را تضعیف می کند. خاتون تقیه (۱۳۹۱) با تأکید بر نقش محیط آموزشی در پیشرفت تحصیلی، نشان می دهد که کیفیت فضای یادگیری از عوامل مؤثر در بهبود عملکرد دانش آموزان است. همچنین، رحیمی نیا (۱۴۰۰) اهمیت محیط را در شکل دهی به نگرش، مشارکت و تجربه یادگیری دانش آموزان برجسته می سازد.

منابع

۱. آمین یزدی، سیدامیر؛ عالی، آمنه. بررسی تأثیر سبک های مدیریت کلاس بر رشد مهارت های فراشناختی دانش آموزان.
۲. عباسی، مطهره؛ عباسی، نگین؛ عباسی، سارا؛ ایشاری، سیدامیرحسین. (۱۴۰۲). استراتژی های مؤثر برای ایجاد محیط یادگیری سازنده در کلاس درس. اولین کنفرانس پژوهش های مدیریت تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، تهران. پایگاه نور.
۳. بابایی، رضا؛ کریمی، الهام؛ موسوی، ندا. (۱۳۹۹). تأثیر روش های تدریس فعال بر اعتماد به نفس دانش آموزان ابتدایی. پژوهش های نوین آموزشی.
۴. خاتون تقیه، نرجس. (۱۳۹۱). محیط آموزشی و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. اردیبهشت.
۵. خادیمان قادیکالی، مریم؛ لطفی قادیکالی، نرجس؛ قاسم زاده، زهرا؛ کوپایی، علی. (۱۴۰۱). دانش اثربخشی معلم و نقش آن در دستاوردهای آموزان. هفتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد.
۶. رحیمی نیا، محسن. (۱۴۰۰). چرا محیط برای یادگیری دانش آموزان مهم است؟
۷. رضایی، حقانی. (۲۰۱۵). فنون مدیریت کلاس: راهنمایی برای اداره کردن کلاس درس. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.
۸. سعیدی فر، ملیحه؛ سعید، محمد؛ زنگنه، نرگس؛ امامی، پریسا. (۱۴۰۰). نقش معلم در فرآیند یاددهی و یادگیری. سومین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان.

۹. سیف، علی اکبر. (۱۳۹۱). روان شناسی پرورشی نوین. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. شعبانی، حسن. (۱۳۹۹). مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس).
۱۱. صیدی مرادی، شیوا؛ صیدی مرادی، شیدا. (۱۴۰۳). ایجاد محیط یادگیری مثبت از طریق مدیریت کلاس. هفتمین همایش ملی میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی، آبان. پایگاه نور.
۱۲. غلامی، عادل؛ نامداری، یوسف؛ رحمانی، سیده زینب؛ صفدری، سجاد. (۱۴۰۳). روش های مدیریت کلاس درس.
۱۳. قوبدل، محمدرضا. روش های نوین مدیریت کلاس درس.
۱۴. کرمی، مرتضی؛ تجری، مجتبی؛ پاک مهر، حمیده. (۱۳۹۹). افزایش اثربخشی برنامه درسی مهارت های زندگی از طریق خلق محیط های یادگیری سازنده گرا. روان شناسی تربیتی، پاییز.
۱۵. گودرزی، معصومه. راهکارهای مدیریت کلاس برای ایجاد محیط یادگیری مثبت. اولین همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین. پایگاه نور.
۱۶. نادری، ا؛ احمدی، سارا؛ کریمی، م. (۱۳۹۸). تأثیر فعالیت های فوق برنامه بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. مجله پژوهش در آموزش.
۱۷. زارع، پریسا؛ صادقی بهمنی، رضا. (۱۴۰۲). نقش تکالیف مهارت محور و خلاق در یادگیری دانش آموزان ابتدایی. ششمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
۱۸. جلالی، پروین؛ انصاری فرد، پریسا؛ صدیق، صدیقه؛ محمدزاده، فاطمه. (۱۴۰۰). نقش معلمان در کلاس های درس آموزش از راه دور. اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت، بندرعباس.